

از مجموعه طنز تازی های آذین (۱)



چند دوشاد شاد طر
www.ketab.ir

محمود سلطانی

با مقدمه رضا رفیع

سرشناسه	: سلطانی، محمود، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدید آور:	اصرارنامه: چند داستان طنز / محمود سلطانی؛ با مقدمه رضا رفیع.
مشخصات نشر	: اصفهان: رنگینه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ ص.
فروست	: ... مجموعه طنز تازی های آذین: ۱.
شابک	: 978-622-6005-51-7
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
موضوع	: داستان های کوتاه فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: Short stories, Persian -- 20th century
موضوع	: داستان های طنز آمیز فارسی-- قرن ۱۴
موضوع	: Humorous stories, Persian -- 20th century
شناسه افزوده	: رفیع، رضا، ۱۳۴۷ - ، مقدمه نویس
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۴۸
رده بندی دیویی	: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۰۳۰۴۳
وضعیت رکورد	: فیبا



نام کتاب: **اصرارنامه** (چند داستان طنز)

نویسنده: محمود سلطانی (آذین)

ناشر: انتشارات رنگینه

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

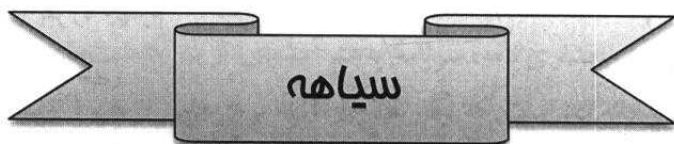
بها: ۵۰۰/۰۰۰ ریال*

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۰۵-۵۱-۷

ISBN : 978-622-6005-51-7

اصفهان- خیابان مشتاق اول، خیابان آیت اله ابوالحسن اصفهانی،
مجتمع الهیه، طبقه اول تلفن: ۲۷ ۶۴ ۶۵ ۳۲-۲۷ ۶۵ ۵۴ ۳۲ (۰۳۱)

* قیمت تمام شده ۸۰۰/۰۰۰ ریال است!



صفحه	عنوان
۵	تقریظ
۷	دیباچه
۱۱	مقدمه
۲۹	داستانها
۳۱	نخستین داستان طنز جهان
۳۵	خواستگاری به افق ۱۴۰۴
۴۵	زن درمانی
۵۳	دانشگاه آزاد آزاد
۷۷	ذکر اتاق شماره ۳۲
۸۳	اعلام نظر جانانه
۹۳	صبح بخیر، جعفر آقا
۹۹	من و مادرم

به نام خداوند طسترفرین

دیباچه

از دوران آدم و حوا تا کنون هزاران داستان واقعی و غیر واقعی، طنز و غیر طنز، درباره فرزندان آن دو، یعنی آدمیان و شیوه زندگی و روابط خانوادگی و اجتماعی آنها نگاشته شده که این کتاب در بردارنده شماری از تازه ترین آنهاست.

«اصرارنامه» در بردارنده چند داستان واقعی است - به نظم و نثر - که بدور از غرض و مرض، و فارغ از هرگونه گرایش مکتبی، فلسفی، ادبی، سیاسی و عقیدتی نگارش یافته است.

بن مایه همه داستانها هم واقعیت است. واقعیت هایی که همگی همین دور و بر ما رخ داده اند. واقعیت هایی که، یا خودشان طنز بوده اند و یا اینکه طنز نهفته در آنها آشکار و برجسته شده است. بیشتر آنها پیش از این در روزنامه اطلاعات منتشر شده اند. شماری از آنها هم به سبب فزونی حجمشان مجال چاپ و انتشار در ستون مخصوص آن روزنامه را نیافته اند.

انگیزه انتشار آنها در این کتاب هم نیز عنایت آمیخته با اصرار دوستان و اهل ادب و هنر بوده است. همانان که وقتی با شکسته‌نفسی گفتم اینها ارزش چاپ و انتشار ندارند، هر یک به فراخور حال و شوخی یا جدی، پاسخ‌های دندان‌شکن دادند.

- یکی گفت: «بیخود!!! حیف این آثار نیست که در خانه بماند؟!!!»

- دومی گفت: «ای که شصتاد رفت و در خوابی، مگر این چند روزه

دریابی.»

- دیگری گفت: «اتفاقاً امروزه روز، مطالب بی‌ارزش را بیشتر و

سریعتر و بهتر چاپ می‌کنند.»

- چهارمی گفت: «مگر اینهایی که امروزه چاپ می‌شوند چی

هستند؟ بیست تا کلمه را می‌کنند یک کتاب!!»

- آن یکی گفت: «شما اجازه بده، من خودم همه جا آشنا دارم.

چشم بهم بزنی، ترتیب کارها را می‌دهم.»

و چنین شد که «اصرارنامه» با اصرار دوستان و همت و حمایت

مؤسسه محترم انتشارات رنگینه به زبور طبع آراسته و پیشکش شد.

- اعلام نظر عجیب و غریب دفتر ممیزی کتاب در باره متن کتابی

با نام «حسن آباد چی بود؟ چی شد؟»

- مرد سالمندی که سالهاست ذکر بر لب پیگیر آسفالت کوچه شان

است.

- مطالبه بحق و مسلم ابدارچی مؤسسه برای دریافت اضافه‌کاری

ماه رمضان.